



Paper type: Review Article

(Selected article of the 3rd International and 21st National Accounting Conference of Iran)

Adaptive Learning Future Studies of Accounting with the Approach of Technologies in Higher Education

Jafar Behbahani¹, Mohammad Reza Pourali^{2*}

Received: 2023/10/12

Accepted: 2023/12/26

Abstract

Future studies and foresight are the basis for strategic decisions. Due to the uncertainty of future predictions, the study of future events and strategies based on future predictions are also completely uncertain. Therefore, the assumption that tomorrow may be fundamentally different from today is accepted. Accordingly, the current methods of accounting education, which are related to previous decades, need to be replaced by innovative, dynamic and new methods, and this change requires future research for future needs and realities. Currently, our education is based on mnemonic approaches and memorizing topics, and it is necessary to give way to interactive, analytical methods so that students participate more in classes and workshops. This method causes dynamism in learning processes and develops the power of reasoning and thinking. New educational methods include the use of technologies and new communication tools. The aim of this study was to re-design the subject of future studies in accounting education to identify the needs of using information and communication technologies as a strategy to improve teaching and learning processes in students. The lack of educational literature on adaptive learning and the need to integrate specialized knowledge was a reason for the necessity of this study. It is hoped that this review will add value to the theoretical reviews in the analytical literature of this field.

Keywords: Future studies, Foresight, Accounting, Learning, Higher education.



10.71600/jacgr.2024.1196198



How to cite this article: Behbahani, J; Pourali, M.R. (2024). Adaptive Learning Future Studies of Accounting with the Approach of Technologies in Higher Education. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 3(8), 117 -131. (In Persian)

1. Ph.D. Candidate, Department of Accounting, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran.

2. Associate Prof, Department of Accounting, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran.

*Corresponding author :pourali@iauc.ac.ir



نوع مقاله: مروری

(مقاله منتخب سومین همایش بین‌المللی و بیست و یکمین همایش ملی حسابداری ایران)

آینده‌پژوهی حسابداری با رویکرد فناوری‌های یادگیری تطبیقی در آموزش عالی

جعفر بهبهانی^۱، محمدرضا پورعلی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

چکیده

آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری مبنایی برای تصمیم‌گیری‌های استراتژیک است. با توجه به عدم قطعیت پیش‌بینی‌های آینده، مطالعه رخدادهای آینده و استراتژی‌های مبتنی بر پیش‌بینی آینده تماماً غیرقطعی است. لذا پذیرش این فرض که فردا ممکن است به‌طور اساسی با امروز متفاوت باشد، وجود دارد. بر این اساس، روش‌های کنونی آموزش حسابداری که مربوط به دهه‌های قبل است، نیازمند جایگزینی روش‌های مبتکرانه، پویا و جدید است و این تغییر، نیاز به آینده‌پژوهی برای نیازها و واقعیت‌های آینده دارد. در حال حاضر آموزش ما بر محفوظات استوار است و لازم است جای خود را به روش‌های تعاملی و تحلیلی بدهد و دانشجویان مشارکت بیشتری در کلاس و کارگاه به‌عهده گیرند. این روش موجب پویایی در فرآیندهای یادگیری شده و قدرت استدلال و تفکر را شکوفا می‌نماید. روش‌های جدید آموزشی شامل استفاده از فناوری‌ها و ابزار جدید ارتباطی است. هدف این مطالعه، طرح مجدد موضوع آینده‌پژوهی در آموزش حسابداری برای شناسایی نیازهای استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان یک استراتژی برای بهبود فرآیندهای تدریس و یادگیری در دانشجویان می‌باشد. کمبود ادبیات آموزشی در مورد یادگیری تطبیقی و لزوم تلفیق دانش تخصصی دلیلی بر ضرورت این مطالعه دارد. امید است این بررسی ارزش‌افزوده‌ای به مرورهای نظری در ادبیات تحلیلی این حوزه اضافه نماید.

کلیدواژه: آینده‌پژوهی، آینده‌نگاری، حسابداری، یادگیری، آموزش عالی.



10.71600/jacgr.2024.1196198



استناد: بهبهانی، جعفر و پورعلی، محمدرضا. (۱۴۰۳). آینده‌پژوهی حسابداری با رویکرد فناوری‌های یادگیری تطبیقی در آموزش عالی. پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۳(۸)، ۱۱۷-۱۳۱.

۱. دانشجوی دکتری حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

۲. دانشیار گروه حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. * نویسنده مسئول: pourali@iauc.ac.ir

مقدمه

آینده‌پژوهی^۱ را می‌توان به‌عنوان مطالعه نظام‌مند رویدادها و شرایط احتمالی آینده تعریف کرد و آینده‌نگاری^۲ را درک و تحلیل آینده‌های جایگزین و انتخاب‌های مرتبط با آن‌ها. به عبارت دیگر، آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری هر دو به بررسی آینده‌ها اشاره دارد اما آینده‌نگاری به‌طور خاص به استفاده از روش‌ها و فن‌های آینده‌پژوهی برای اهداف مدیریتی اشاره دارد. آینده‌نگاری در مورد ایجاد چشم‌انداز و دیدگاهی از آینده همراه با مطالعات آینده است و ارتباط نزدیکی با سناریوسازی دارد.

آینده‌پژوهی یک هنر و علمی است که تأکید زیادی بر تخیل و خلاقیت در خلق آینده‌های ممکن مختلف دارد و هدف اصلی آن کشف و تسلط بر زنجیره‌های پیچیده علت و معلولی از طریق مفهوم‌سازی، رویکرد سیستمی و حلقه‌های بازخورد است که در نهایت نوآوری در زمینه‌های اجتماعی و فناوری ارائه می‌کند (موتی^۳، ۲۰۲۲). مؤسسه مطالعات فناوری آینده‌نگاری، آینده‌نگاری را به‌عنوان «یک فرآیند جمع‌آوری اطلاعات سامانمند، مشارکتی، آینده و میان‌مدت تا بلندمدت باهدف تصمیم‌گیری‌های امروزی و بسیج اقدامات مشترک» تعریف می‌کند (IPTS)^۴.

آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری به‌عنوان مبنایی برای تصمیم‌گیری‌های استراتژیک است. مطالعه آینده با پذیرش فرض عدم قطعیت است و آینده قابل پیش‌بینی نیست و استراتژی‌هایی که مبتنی بر پیش‌بینی آینده برای بلندمدت است، تماماً غیرقطعی است. برای اینکه یک شرکت یا بخش یا سازمان بتواند تغییرات را مدیریت کند، باید بپذیرد که فردا ممکن است به‌طور اساسی با امروز متفاوت باشد. لذا می‌بایست با یک نگرش و تفکر باز و خارج از چارچوب‌های فعلی به مسائل نگاه کند تا بتواند با تغییرات احتمالی در محیط اطراف خود سازگار شود. دقیقاً برای مقابله با عدم قطعیت‌ها و تغییرات مربوط به آینده است که آینده‌نگاری و برنامه‌ریزی برای وضعیت‌های آینده یک ابزار قدرتمندی هستند. ساختن چشم‌اندازهای آینده به معنای پیش‌بینی آن نیست، بلکه سعی می‌شود تصویری از آینده و اتفاقات آن ترسیم گردد تا آماده‌سازی بهتری برای تغییرات صورت گیرد.

بیشتر ریشه‌های آینده‌نگاری میدانی را می‌توان در ایالات متحده یافت، جایی که کاربرد فن‌های آینده‌نگاری در صنایع دفاعی و پس‌از آن در صنعت انرژی در دهه‌های ۵۰-۶۰ آغاز شد. در میان پیشگامان آینده‌نگاری، می‌توان شرکت رنده^۵ و موسسه هادسون^۶ (بنیان‌گذار اچ. کان) را یافت. در طول سال‌ها، دولت‌ها و شرکت‌ها شروع به انجام مطالعات آینده‌نگاری به‌منظور برنامه‌ریزی بهتر سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با فناوری کردند (ریگر^۷، ۲۰۰۱). در دهه ۱۹۷۰، ژاپن به‌طور فعال در پروژه‌های آینده‌نگاری فناوری که عمدتاً بر اساس نظرسنجی‌های پنج‌ساله دلفی بود، درگیر شد (براندرز^۸، ۲۰۰۹). اروپای غربی فعالیت‌های آینده‌نگاری را در دهه ۹۰ بر اساس نظرسنجی‌های دلفی، عمدتاً برای توسعه سیاست‌های مرتبط با علم و فناوری آغاز کرد. تا آن زمان تمرکز بیشتر بر روی پیش‌بینی بود تا بررسی فرصت‌های آینده. زمینه آینده‌نگاری به موازات آگاهی روزافزون از نیاز به جهت‌گیری آینده و تشخیص عدم قطعیت‌ها در مورد آینده، چه در سطح شرکت‌ها و چه در سطح دولتی، توسعه یافته است.

1. Futures studies

2. Foresight

3. Motti

4. Is one of the scientific institutes of the European Commission's Joint Research Centre, JRC

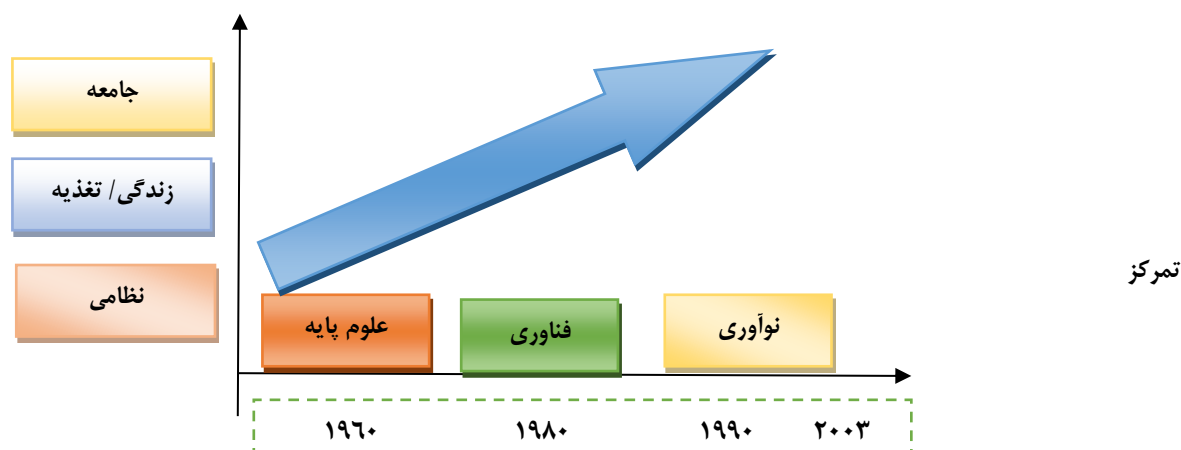
5. RAND Corporation

6. Hudson Institute (founded by H. Kahn)

7. Reger

8. Brandes

حوزه موضوعی



شکل ۱. ۴۰ سال مطالعات آینده‌نگاری (منبع: فاگراهایم، ۲۰۰۳، اقتباس شده از واگنر، رند)

علوم مختلف در حال پیشرفت‌های باورنکردنی است و نتایج آن به سرعت در حال تغییر دادن تمام شئون زندگی بشر اعم از اقتصاد و سیاست و اجتماع می‌باشد. بنابراین همه رشته‌های علمی در مسیر این تغییرات سریع قرار گرفته‌اند و اگر نتوانند با سرعت این تغییرات سازگاری و همراهی کنند، در معرض عقب ماندگی قرار می‌گیرند. در همین راستا، نهادهای آموزشی که پیش‌زمینه رشد و توسعه می‌باشند، لازم است روش‌ها و ابزار خود را روز آوری نماید تا بتواند نقش تأثیرگذار خود را حفظ و به عنوان نهاد مهم حفظ نمایند. یکی از ابزارهای مهم نهادهای آموزشی بخصوص آموزش عالی، موضوعات مربوط به یادگیری است که ضرورت تغییر و تحول در آن بشدت احساس می‌شود. اما، تعاریف متعددی برای یادگیری^۱ بیان شده است و توافق واحدی بر یک تعریف وجود ندارد. برخی از روانشناسان یادگیری را تغییری که بر اثر تجربه یا آموزش در رفتار موجود زنده پدید می‌آید، می‌دانند (دانشنامه پژوه). برخی دیگر مثل ارنست راپیکت هیلگارد و مارکویز و همکاران یادگیری را تغییر نسبتاً پایدار در احساس، تفکر و رفتار فرد که بر اساس تجربه ایجاد شده باشد، تعریف نموده‌اند. معروف‌ترین این تعاریف‌ها تعریفی است که به وسیله کیمبل^۲ پیشنهاد شده است. کیمبل یادگیری را این گونه تعریف کرده است: "تغییر نسبتاً پایدار در توان رفتاری (رفتار بالقوه) که در نتیجه تمرین تقویت شده، رخ می‌دهد."

یادگیری تطبیقی که گاهی به آن تدریس تطبیقی هم گفته می‌شود، درواقع روشی آموزشی است که در آن از الگوریتم‌های رایانه‌ای برای تعامل با یادگیرنده و ارائه منابع و فعالیت‌های یادگیری بر مبنای ویژگی‌ها و نیازهای فردی یادگیرنده استفاده می‌شود. لحاظ نمودن ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی در طراحی محیط‌های آموزشی، اثربخشی یادگیری را افزایش خواهد داد. ایده یادگیری تطبیقی در واقع ظهور یک مفهوم جدید نیست. بلکه ایده یادگیری تطبیقی درواقع ظهور یک مفهوم جدید نیست. این ایده از دهه ۱۹۶۰ وجود داشته است. یادگیری تطبیقی به عنوان یک فناوری آموزشی نوعی تکنیک داربستی است که برای کمک به همه ذینفعان در یک موسسه آموزشی، معلمان، دانش آموزان و مدیران مدرسه سفارشی شده است (کاستانه‌دا و سلوین، ۲۰۱۸)^۳. مفهوم ساده یادگیری انطباقی و یا تطبیقی، یادگیری با نیازهای فردی فراگیران است (هیکس^۴، ۲۰۱۵). برای نخستین بار سیستم یادگیری تطبیقی در جنوب آمریکا ارائه گردید (کاربونل^۵، ۱۹۷۰). آموزش تطبیقی^۶ یا هم سنجشی یک زمینه مطالعاتی دانشگاهی است که کیفیت آموزش یک کشور (یا گروهی از کشورها) را با استفاده از داده‌های استخراج شده از دیگر کشورها می‌آزماید. زمینه آموزش

1. Learning
2. Kimble
3. Castaneda and Selwyn
4. Hicks
5. Carbonell
6. Comparative Education

تطبیقی توسط بسیاری از پروژه‌های یونسکو و همچنین وزارت آموزش عالی کشورهای مختلف پشتیبانی می‌شود (برای ام، ۱۹۹۵). البته در برخی نوشته‌ها، یادگیری تطبیقی را مترادف با نظام آموزشی برخط که مبتنی بر رایانه است، دانسته‌اند.

در رویکرد سنتی محتوا و مفاهیم دروس به یک‌شکل و به یک روش به همه یادگیرندگان که درک و هوش متفاوتی دارند، ارائه می‌شود. لذا یادگیری تطبیقی جایگزینی مؤثر برای رویکرد سنتی هست و قادر است توسعه‌ی آموزش و یادگیری را به سمت یک محیط یادگیری پویا سوق دهد. در این مسیر می‌بایست دو عامل اصلی را با توجه به خصوصیات فردی هر نفر در نظر گرفت. ابتدا ویژگی‌های یادگیرنده و سپس ویژگی‌های موضوع یادگیری. به اعتقاد چن^۲ (۲۰۰۶) از مسائل مهم یادگیری تطبیقی، شناسایی نیاز فراگیران، رفتار آموزشی و سرعت یادگیری فراگیران و طراحی برنامه آموزشی متناسب با ویژگی‌های مخاطب می‌باشد که محیط و آموزش الکترونیکی و مجازی فراهم‌کننده آن است. با توسعه فناوری، نسل‌های جدیدی از سامانه‌های مدیریت یادگیری بر مبنای یادگیری تطبیقی طراحی شده‌اند. این سامانه‌ها درواقع موج دوم یادگیری دیجیتالی، یعنی «شخصی‌سازی و تعامل» را بر اساس ویژگی و نیازهای فردی تولید کرده‌اند (بالغی‌زاده، ۱۴۰۰). سیستم مدیریت یادگیری^۳ که تحت وب می‌باشد، دارای اصول و معیارهایی است که هنگام پیاده‌سازی رعایت آن ضروری می‌نماید. این روش و فناوری برای اساتید علاوه بر اینکه موجب تخصیص بهینه زمان می‌گردد، داده‌های ارزشمندی را در مورد سطح پیشرفت هر دانشجو و توانایی او برای یادگیری ارائه می‌دهد و می‌تواند تجربه آموزشی شخصی مؤثر را برای هر دانشجو برنامه‌ریزی کنند. البته در کشورهایی که از سامانه‌های آموزشی کاملاً خصوصی و سفارشی برخوردار هستند، این امکان وجود دارد که منابع و فعالیت‌های سفارش شده‌ای را بسازند که نیازهای یادگیری منحصر به فردی را برای هر دانش‌آموز یا دانشجویی را برطرف سازند. لذا اساتید می‌بایست اصول آموزشی متفاوتی را اتخاذ نموده و محتوایی را ارائه دهند که مناسب فرآیند یادگیری هر دانشجویی باشد. دانشجویان پس از کسب آموزش‌های فردی می‌توانند پتانسیل‌های شخصی خود را در داخل و خارج از کلاس توسعه دهند.

به اعتقاد وبر (۲۰۱۹) سه سطح انطباق برای ایجاد احساس قدرت در معلمان وجود دارد: بازخورد تطبیقی از وضعیت فعلی دانش‌آموزان، مسیرهای انطباقی که ارائه محتوا را تعریف می‌کند، و توانایی انطباقی معلمان برای انطباق تدریس خود بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به خاطر جایگاه اجتماعی که دارند، دارای نقش ارزنده‌ای در تربیت نیروی انسانی هستند و به حق جامعه از آنان انتظار کشف استعدادها و تربیت افراد نخبه دارند. صنایع تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی نیازمند نیروی کار متخصص و تحصیل کرده هستند. لذا می‌بایست مهم‌ترین مؤلفه آنان نوع و نحوه آموزش باشد تا بتواند هم نیاز بازار را تأمین کند و هم از جایگاه علمی خود به عنوان مرکز نخبه پروری دفاع کنند. مطابق نظر هارمن (۲۰۰۰) تضمین کیفیت یک فرآیند ارزیابی و سامانمند مدیریت در نظام‌های دانشگاهی برای نظارت بر اهداف و اطمینان از دستیابی به خروجی‌های باکیفیت و بهبود مستمر کیفیت آن‌ها می‌باشد، به طور خلاصه رویکردی برای مدیریت کیفیت مناسب می‌باشد که بر روی مدیریت فرایند متمرکز شده و هدف از آن تطابق فرایندها با استانداردهایی که تعریف گردید می‌باشد (اولبور، ۲۰۰۷). نظام ارزشیابی به عنوان جزئی از نظام آموزش عالی بوده و می‌بایست برای ادامه حیات، افزایش کارایی، اثربخشی، بهبود و تعالی کیفیت این نظام در جهت تحقق اهداف تعیین شده در بستر ملی گسترش یابد.

پیاده‌سازی فناوری در برنامه‌های آموزشی یکی از چالش‌های بزرگ عصر ما بوده و مشخص نیست این مشکل تا چه زمانی برقرار باشد. البته از زمانی که موضوع همه‌گیری ویروس کرونا شروع شد، در بسیاری از جوامع، به ویژه ایران، از برخی روش‌های برخط و فضای مجازی استفاده نمودند. هرچند که زیرساخت‌های فضاهای آموزشی آمادگی این حجم وسیع را نداشت، لیکن شروع خوبی برای استفاده‌های بعدی از امکانات فناورانه بود. استفاده از اسلایدهای پاورپوینت، نمونه‌ای دیگر از فناوری نوآورانه در کلاس‌های درس بودند که در سطح مؤسسات آموزش عالی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفت که با گذشت زمان، دانشجویان رفته‌رفته تسلط بهتری پیدا کردند. تطبیق نیازمندی‌های دانشجویان و یادگیرندگان می‌بایست مطابق ویژگی‌های فردی باشد تا امکان انتخاب یکی از اشیاء یادگیری تطبیقی همانند اسلاید، ویدئو و فیلم و حتی متن، فراهم گردد، هر چند که این کار به سادگی نیست. یکی از سؤالات اساسی این است که چگونه می‌توان فناوری را در حسابداری دخالت داد تا آموزش بهتر و مؤثرتری برای

1. Bray, M

2. Chen

3. Learning Management System (LMS)

استادان و دانشجویان فراهم کرد و یادگیری را عمیق‌تر و پایدارتر نمود؟ و چگونه می‌توان از فناوری برای ایجاد انگیزه و آموزش دانشجویان حسابداری استفاده کرد؟ شکی نیست که استفاده مؤثر از فناوری برای بهبود آموزش بسیار پیچیده‌تر از گفتن آن است. لذا ضرورت دارد پژوهش بیشتری در ارتباط با فناوری‌های آموزشی در آموزش عالی و پتانسیل موجود مورد توجه قرار گیرد.

مؤسسات آموزش عالی، طبق پژوهش‌های قبلی، هنگام ارزیابی یا اتخاذ روش‌های یادگیری تطبیقی با چالش‌هایی مواجه بوده‌اند. در ادبیات، سه نوع اصلی از موانع مورد بحث، موانع مربوط به فناوری، دستورالعمل و مدیریت هستند (نودین، ۲۰۱۶)^۱. مؤسسات آموزش عالی چالش‌هایی را در اجرای یادگیری تطبیقی گزارش کرده‌اند که بیشتر مربوط به فناوری و استفاده از آن است (بیلی و همکاران، ۲۰۱۸)^۲. علاوه بر آن، روش‌های منسوخ تدریس، مقاومت در برابر استفاده از فناوری که می‌تواند ناشی از عدم تسلط، به‌روز نبودن و تفکر سنتی باشد و همچنین چالش‌هایی که اساتید در رابطه با طراحی برنامه‌ها، محتوا و مفاد درسی مطابق با الزامات آموزشی و تطبیق آن‌ها با یادگیری تطبیقی نیز وجود دارد. چند مطالعه به چالش‌های پیش روی مدیران و مدیران مربوط به استراتژی ناسازگار دانشگاه برای حمایت از اهداف یادگیری تطبیقی (سالیوان^۳، ۲۰۱۸)، فقدان پشتیبانی رهبری و منابع مالی و پرسنلی ناکافی توجه کردند (بیلی و همکاران، ۲۰۱۸؛ جانسون و زون، ۲۰۱۸)^۴. یک عامل پیچیده و بالقوه محدودکننده در پذیرش و استفاده از فناوری این است که دانشگاه‌ها، کمبود بودجه کافی و لازم برای تأمین تجهیزات آموزشی فناورانه در کلاس‌های درس می‌باشد. علاوه بر آن، هزینه آموزش استادان و کاربران فناوری می‌باشد. چون برخی از استادان از نسل گذشته بوده و با تجهیزات جدید به‌صورت حرفه‌ای آشنایی ندارند.

لیندسی^۵ (۲۰۱۶) چارچوبی را برای یادگیری حرفه‌ای (که به‌صورت هرمی ارائه می‌شود) ایجاد کرد که بین حرفه‌ای‌ها "در شکل‌گیری"، "شایستگی" و "کمال" تمایز قائل می‌شود. ۹ عنصر به‌هم‌پیوسته چارچوب، که از بالای هرم شروع می‌شود و به سمت پایین ادامه می‌یابد، عبارت‌اند از (۱) دوره‌ها و به‌روزرسانی‌های فنی، (۲) یادگیری با/از دیگران، (۳) یادگیری در محل کار، (۴) یادگیری از طریق تفکر، (۵) درگیر شدن، (۶) کاوش، (۷) آزمایش، (۸) نگرش مثبت، و (۹) خودباوری. وی اظهار داشت که چارچوب یادگیری جدید به حسابداران حرفه‌ای کمک می‌کند تا استراتژی‌هایی برای یک شغل موفق ایجاد کنند.

آینده‌پژوهی و ضرورت آن در آموزش حسابداری

آینده‌پژوهی^۶ نوعی نگاه هنجاری به آینده دارد. بنابراین دانشی است با هستی‌شناسی^۷، معرفت‌شناسی^۸، روش‌شناسی^۹ و روش‌های خاص خود که برخلاف دو نوع قبل، ماهیت آن قابل آموزش دادن و یادگرفتنی است و اهداف گوناگونی دارد (کورنیش، ۲۰۰۷: ۲۳۲). امیرهوشنگ حیدری (۱۳۹۳) به نقل از سهیل عنایت‌اله (آینده‌پژوه شهیر پاکستانی‌الاصل)، چهار رویکرد در مواجهه با آینده برمی‌شمارد. آینده‌پژوهی مبتنی بر پیش‌بینی، آینده‌پژوهی تعبیری، آینده‌پژوهی انتقادی و آینده‌پژوهی مبتنی بر اصل یادگیری حین عمل برآوردی. مطابق رویکرد چهارم، اساس برآورد آینده‌های محتمل، ممکن و مرجح بر اساس دسته‌بندی‌های ذی‌نفعان آینده است. آینده در پرتو مشارکت ذی‌نفعان ساخته می‌شود و در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که به آن علاقه‌مندند. در این رویکرد، آینده به‌طور مستمر موردبازنگری و پرسش قرار می‌گیرد.

مایکل کینان^{۱۰} معتقد است، از آینده‌پژوهی در حوزه علم، فناوری و نوآوری تحت عنوان آینده‌نگاری^{۱۱} یاد می‌شود. آینده‌نگاری فرآیندی سازمان‌یافته، هدفمند، مشارکتی و مستمر در راستای ایجاد ارتباط، هماهنگی و هم‌اندیشی بین سازمان‌ها و نهادهای مختلف است که به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا با برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت به اداره و پیشبرد حوزه‌های مختلف دانش،

1. Nodine

2. Bailey et al.

3. O'Sullivan

4. Bailey et al. ; Johnson & Zone

5. Lindsay

6. Futures Studies

7. Ontology

8. Epistemology

9. Methodology

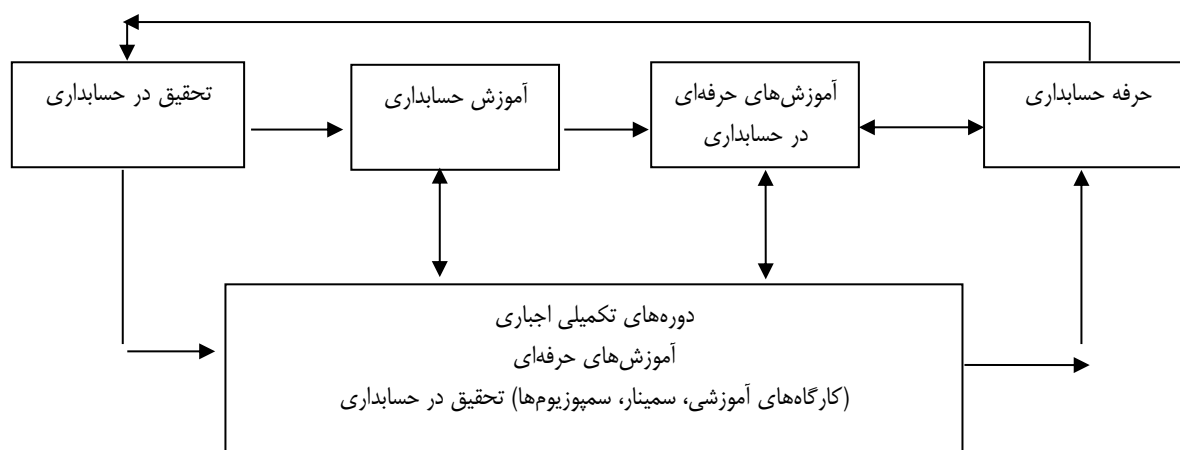
10. Michael Keenan

11. Foresight

فناوری، اقتصاد، محیط‌زیست و جامعه با هدف شناسایی فناوری‌های نوینی نائل آیند که بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی را دارند (ناظمی، ۱۳۸۵: ۴۷).

با پذیرش این نکته که بین آینده‌نگری و آینده‌نگاری تفاوت وجود دارد، می‌توانیم با آینده‌نگری، وضعیت آینده را پیش‌بینی نموده و با آینده‌نگاری می‌توانیم مشخص کنیم که چه اتفاقاتی در آینده رخ دهد. لذا با این رویکرد که ما می‌خواهیم در آینده، جامعه در چه مسیری حرکت کرده و شرایط آینده چگونه باشد، نقشه راه آموزش را باید از هم‌اکنون ترسیم و پیاده‌سازی کنیم. نقاط ضعف و قوت را شناسایی و نسبت به ترمیم نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت برنامه‌ریزی نماییم. لزوم شناخت صحیح فناوری‌های در حال ظهور و فناوری‌های آینده، لازمه آگاهی از روندهای آینده و رویدادهای آینده است تا قادر باشیم تصمیم‌های حیاتی و اثربخشی برای آینده اخذ کنیم. بنابراین تنها با تجهیز شدن به ابزارها و مهارت‌های تصمیم‌گیری علمی مبتنی بر مطالعات آینده‌پژوهی است که می‌توان به‌عنوان بازیگری فعال در جهان نقش ایفاء کرد. هدف اصلی آینده‌پژوهی در حوزه‌ی فناوری، کشف پیش‌دستانه علائم تغییر، شناسایی و تحلیل روندهای تأثیرگذار و ترسیم صحنه‌های آینده در حوزه‌ی فناوری‌ها و صنایع مرتبط است (ماسینی، ۱۹۹۳: ۵۱).

به دنبال پیدایش و ظهور سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی بزرگ، رویکرد علمی را در مدیریت این بنگاه‌ها به وجود آورده است (پورعلی و همکاران، ۱۳۹۹) لذا دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی با احساس نیاز نسبت به گسترش کمی و کیفی در تعداد واحدهای دانشگاهی و کلاس‌های درس خود اقدام نمودند و در نتیجه تعداد فارغ‌التحصیلان حسابداری افزایش یافت و همچنین نرم‌افزارهای مالی و حسابداری تولید و به بازار ارائه شد، اما همچنان بازار کسب‌وکار از کمبود حسابداران حرفه‌ای رنج می‌برد. اغلب تحقیقات حسابداری به‌جای تأکید بر آموزش و توسعه تحقیقات در دانشگاه، بیشترین تأکید بر پرورش دانشجویان برای حرفه در مقطع کارشناسی است (شفیع‌پور و دادگر، ۱۳۹۱). نقش آموزش و تحقیقات حسابداری به‌شدت در حال تغییر بوده و جامعه و استفاده‌کنندگان علاقه‌مند به مشارکت و استفاده از تحقیقات نوین و استفاده از نتایج این تحقیقات در حوزه عمل و اتخاذ تصمیمات مالی است (شفتل و همکاران، ۲۰۰۵). آینده‌پژوهی در حسابداری موجبات رشد و تعالی حرفه را سبب خواهد شد و طبق تحقیق انجام‌شده در سال ۲۰۰۶ انجام آموزش و تحقیقات و پژوهش‌های حسابداری در دانشگاه‌ها و به‌کارگیری در حوزه عمل حسابداری بسیار مؤثر بوده است (پورعلی و همکاران، ۱۳۹۹). اما، در حال حاضر به دلیل فقدان بودجه و اعتبار و عدم توجه به نیازهای حرفه، تحقیقات حسابداری بسیار محدودی در دانشگاه‌ها در حال انجام است. به‌علاوه، موارد مرتبط با ارزیابی ماحصل و نتایج تحقیقات در آکادمی‌های حسابداری به سمت چند خروجی بودن و نتیجه محدود از تحقیقات، در حال حرکت است (برین و دیگران، ۲۰۰۱-۲۰۰۶-۱۹۸۴-۴، پارکر و دیگران، ۱۹۹۷). تحقیقات در حسابداری باید منجر به ارتقای عملکرد حسابداری شوند، در حالی که وضعیت حسابداری این‌طور نیست و شکاف گسترده‌ای بین آموزش حسابداری، تحقیقات حسابداری و حرفه حسابداری وجود دارد. بر اساس پژوهش تجربی یانگ و سلنو (۱۹۹۳) تأیید شد که محققان حسابداری بسیار کمی در تحقیقات خود طرح‌ها و روش‌های میدانی را انتخاب می‌کنند (شفیع‌پور و دادگر، ۱۳۹۱).



شکل ۲. ارتباط مطرح میان تحقیق، آموزش و حرفه

فاصله میان محققان، حرفه و استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری زمانی ایجاد می‌شود که چارچوب ماهیت منافع آن‌ها تفکیک شود (شفیع‌پور و دادگر، ۱۳۹۱). به اعتقاد بیراستیکر و همکاران^۱ (۲۰۱۴) علی‌رغم اینکه محققان بسیاری در زمینه حسابداری مطالعه و تحقیقاتی انجام شده است، نشان‌دهنده عدم وجود پیوند و ارتباط قوی بین تحقیقات و آموزش حسابداری و حرفه حسابداری بوده است. آن‌ها معتقدند تحقیقات و پژوهش‌های حسابداری نتوانسته است نیاز حرفه‌ی حسابداری را مرتفع نماید.

نظام (سیستم) آموزشی در ایران

وقتی سخن از نظام می‌شود، علی‌القاعده، منظور مجموعه‌ای از عناصر به‌هم‌پیوسته، به هم وابسته و هدفمند می‌باشد. بر اساس همین تعریف، نظام آموزشی را می‌توان به مجموعه‌ای از اصول، قوانین، مقررات، روش‌ها و فرآیندهایی اطلاق کرد که بناست برای انتقال دانش، مهارت و سایر ارزش‌های موردنظر دانش‌آموزان، دانشجویان و آحاد جامعه، بکار رود. مسیر این انتقال دانش و مهارت، نظام‌های آموزشی مثل مدرسه، دانشگاه و سایر سازمان‌ها و مؤسسات آموزشی می‌باشد. آموزش نیز به مفهوم عام، یعنی انتقال دانش و مهارت و شکل دادن اندیشه. این تعریف از دو قسمت انتقال دانش و مهارت به معنی ساختن و شکل دادن اندیشه به مفهوم خلق کردن و آفرینندگی است. (پورعلی، محمدرضا، ۱۳۸۴).

«ژان ژاک روسو» فیلسوف مشهور سوئیسی قرن هجدهم است در سال ۱۷۶۲ با نوشتن کتاب امیل، نظام آموزشی جهان را مورد سخت‌ترین حملات تا آن زمان قرار داد. روسو در کتاب امیل، نظامی را برای آموزش کودکان و نوجوانان پیشنهاد داد که زمینه‌ساز نظام آموزشی فعلی اروپا شد. وی بیش از هر چیز با آموزش «کتاب‌محور» مخالفت داشت و معتقد بود کتاب و دفتر و قلم اصولاً چیزهایی مضر در امر آموزش به حساب می‌آیند و بچه‌ها فقط چیزهایی را باید بیاموزند که واقعاً قرار است از آن‌ها استفاده کنند و نباید درسی که کاربردی برای کودک نداشته باشد، تدریس شود.

نظام آموزشی در ایران را متأثر از نظام آموزشی فرانسه می‌دانند. هرچند که ممکن است از لحاظ ظاهری شبیه و یا متأثر از آن باشد، لیکن با توجه به این که فرانسه یکی از کشورهای پیشرفته در بسیاری از زمینه‌هاست، باور این عقیده کمی دشوار است. زیرا اگر این چنین بود، خروجی‌های آن می‌بایست منجر به ایجاد تغییرات در جامعه می‌گردیدند. نظام مورد بحث، به نحوی است که دانش‌آموزان دوره ابتدایی در مدت شش سال و دوره متوسطه نیز در یک دوره سه‌ساله متوسطه اول و یک دوره سه‌ساله متوسطه دوم (دیپلم) تحصیل می‌کردند. در حال حاضر و پس از آزمون‌وخطای انواع نظام‌های آموزشی مثل نظام شش‌ساله، نظام چهارساله، نظام ترمی - واحدی، نظام سالی - واحدی و نظام جدید متوسطه، مجدداً در سال ۱۳۹۷ همان نظام قبلی در شورای عالی آموزش و پرورش مصوب و اجرایی گردید. علی‌رغم همه این تغییرات، به نظر می‌رسد توجه به نظام‌های آموزشی، بر محتوای و

کیفیت آموزش دارای ارجحیت محض بوده است. هرچند که نظام آموزشی می‌تواند بر کیفیت و محتوا اثرگذار باشد، اما تغییرات پی‌درپی و شکلی، فقط موجب از دست رفتن فرصت‌ها و استعدادهای انسانی و منابع مالی می‌شود.

آموزش عالی و حسابداری

آموزش و تربیت افراد متخصص برای هر رشته از وظایف اصلی آموزش عالی هر کشوری است و اساس پیشرفت و توسعه به این امر مهم وابسته است که بتواند بر اساس نیازهای جامعه، برنامه‌ریزی آموزشی داشته باشد. حسابداری را زبان تجارت نامیده‌اند. پس باید در ابتدا به هدف یا اهداف آموزش تعیین گردد و سپس به‌درستی به دانشجویان و علاقه‌مندان به حرفه آموزش داده شود. از زمانی که «مرحوم اسماعیل عرفانی و مرحوم حسن سجادی نژاد رشته‌ی حسابداری در دانشکده‌ی نفت وابسته به شرکت نفت را در سال ۱۳۳۶ تأسیس کردند و دکتر عزیز نبوی در سال ۱۳۴۳ مؤسسه عالی حسابداری را در تهران تأسیس کرد و از این طریق بستری دانشگاهی برای حسابداری پدید آمد، روند آموزش عالی حسابداری در ایران از اواسط دهه ۱۳۴۰ آغاز شد.^۱ علی‌ثقی (۱۳۷۲) به اعتلای آموزش حسابداری در کشورهای در حال رشد و ایران پرداخته است. ایرج نوروش (۱۳۷۲) با رویکردی سیستمی به مقوله کیفیت آموزش عالی توجه نموده است. احمد بدری (۱۳۷۳) رویکرد فلسفی را موردتوجه قرار داده است. ابوالفضل قدیری مقدم و همکاران (۱۳۸۷) که به کیفیت آموزش عالی حسابداری با تمرکز بر استادان دانشگاه به‌عنوان گروه اصلی مؤثر بر کیفیت آموزش پرداخته‌اند، بر این باورند که از طریق طراحی و استفاده از یک سیستم مدون، می‌توان زمینه پیشرفت و ارتقای کیفیت آموزش و نزدیک شدن به ایده آل‌ها را فراهم کرد. حسابدار آینده باید نوآور و خلاق و با ارائه گزارش‌ها و راه‌کارهای هوشمندانه، مدیریت را در اتخاذ تصمیمات مناسب (به‌موقع، مربوط و سودمند) یاری نماید. این مهارت‌ها موجب ارتقای میزان ارتباطات و تبادلات با استفاده‌کنندگان، نهادهای قانونی، سهامداران و تشخیص هر چه بیشتر نیازمندی‌های آنان به‌منظور تهیه گزارش‌هایی است که آن‌ها را در اتخاذ تصمیمات متنوع یاریگر باشد (کول برگ و همکاران، ۱۹۹۹).^۲ رضا جامعی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تناسب و شیوه‌های آموزش حسابداری در مقطع کارشناسی ارشد با مهارت‌های موردنیاز بازار کار با استفاده دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران پرداخته است. وی محتوای آموزشی برنامه حسابداری جهت آماده‌سازی فارغ‌التحصیلان برای انجام وظایف ابتدایی حسابداری شرکت‌ها مناسب دانسته است. لیکن این محتواها برای اتخاذ شغل‌هایی که به مهارت‌های سطوح بالاتر همانند تجزیه‌وتحلیل، تصمیم‌گیری و طراحی سیستم و همچنین مشاوره مالی کافی و مناسب نمی‌داند.

سوهاارا و لوو^۳ (۲۰۱۸) در پژوهشی به تأثیر یادگیری مبتنی بر بازی مدیریت به‌عنوان یک ابزار یادگیری تجربی بر آموزش حسابداری و کسب‌وکار پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که بازی مدیریت، خود به‌عنوان یک ابزار یادگیری تجربی برای آموزش حسابداری کسب‌وکار است. وانگ لیو و کین^۴ (۲۰۱۸) در پژوهش خود، به بررسی نوآوری و شیوه آموزش کاربردی استعدادهای حسابداری در دانشکده‌های محلی و دانشگاه‌ها بر اساس اصلاحات جانبی عرضه پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که دانشکده‌ها و دانشگاه‌های محلی باید به سمت نیازهای اجتماعی هدایت شوند و مهارت‌های موردنیاز جامعه را پرورش دهند. زیرا فقط از این راه می‌شود در رقابت شدید پیشرفت کرد.

با در نظر گرفتن ارتباطات رو به گسترش اقتصادی و تجاری شرکت‌های داخلی با شرکت‌های خارجی، لزوم توجه به آموزش تخصصی‌تر حسابداران و حسابرسان در سطوح آموزش عالی ضروری می‌نماید. در غیر این صورت و ادامه وضعیت فعلی، روابط تجاری موفق‌تری برای شرکت‌های داخلی متصور نیست. حسابداران ما عموماً هیچ آموزشی برای تجارت بین‌المللی طی نمی‌کنند و به‌خوبی توانایی استفاده از فناوری‌های نو و داده‌های بزرگ را ندارند. لذا قادر به رقابت با دیگران نیستند. نظام‌های آموزشی ما منسوخ‌شده است و امکانات آموزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ما فاقد کیفیت و کارایی لازم هستند. نصیرزاده و رستمی (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی چالش‌های آموزش حسابداری در ایران از دید شاغلین حرفه و مراجع دانشگاهی پرداختند. نتایج

پژوهش آن‌ها نشان داد که پاسخ‌دهندگان معتقدند که سیستم کنونی آموزش حسابداری نتوانسته است معلومات کافی درباره نحوه به‌کارگیری و بهره‌مندی از عمده ابزارهای فناوری اطلاعاتی روز را به دانشجویان انتقال دهد. بشیری‌منش و شاهرخی (۲۰۱۲) در پژوهش خود با عنوان ارزیابی درک دانشجویان حسابداری از تجربه یادگیری دروس دانشگاهی، به این نتیجه رسیدند که آن‌ها دارای سطح مناسبی در رابطه با مبانی حسابداری هستند ولی سطح یادگیری آن‌ها در رابطه با سایر مباحث مربوط به حرفه یا مسائل روز حرفه مناسب نیست. وکیلی‌فرد و رهنمای رود پستی (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی و تعیین دیدگاه‌های دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین در حرفه نسبت به اولویت‌های گرایش‌های تخصصی حسابداری، محتوای دروس تخصصی حسابداری، میزان واحدهای دروس تخصصی و مؤثرترین روش تدریس حسابداری به‌منظور تدوین چارچوبی برای برنامه‌ریزی رشته حسابداری در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری با استفاده از روش آماری تحلیلی عاملی با کمک داده‌های فازی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که بین دیدگاه‌های طیف جامعه آماری نسبت به پنج مؤلفه موردبررسی، تفاوت معنی‌داری وجود داشته و درحالی‌که مدرسین حسابداری به حسابداری مالی و دانشجویان مقاطع تکمیلی به حسابداری مدیریت بیشتر بهاء می‌دادند، شاغلین حرفه، پرداختن به مباحث حسابرسی را اولویت مباحث آموزشی در راستای تأمین نیازهای مالی ایران عنوان کرده‌اند. رحیمی بیگی و همکاران (۲۰۱۱) نتیجه پژوهش خود را در خصوص موانع پیشرفت آموزشی در ایران، عدم استقبال رتبه‌های برتر آزمون‌های ورودی به دلیل عدم گزینش علمی مناسب دانشجویان در بدو ورود به رشته تحصیلی حسابداری، چندشغله بودن استادان رشته حسابداری و عدم تسلط استادان و دانشجویان حسابداری به زبان انگلیسی و فناوری اطلاعات، نام‌برده است. عرب مازار یزدی و حجت ثانی (۲۰۰۷) در زمینه ضرورت بازنگری جایگاه سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری در آموزش و حرفه معتقدند که برنامه آموزش حسابداری نیاز به اصلاحات جدی در این زمینه دارد و به هر شکل ممکن باید دروس مختلفی در برنامه‌ی سطوح کارشناسی ارشد حسابداری بر پایه سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری گنجانده شود.

مشکلات و نارسایی‌های آموزش عالی

شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یکی از تأثیرگذارترین عوامل در انتخاب رشته داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی می‌باشد. این شرایط در موارد متعددی سبب می‌گردد که داوطلبان تحصیلات دانشگاهی علی‌رغم میل و علاقه خود، وادار به انتخاب رشته‌ای گردند که هیچ شناختی از آن ندارند. فشارهای اجتماعی و خانوادگی، طرز فکر و رویاهای گروه دوستان و همسالان، کسب ثروت، نام و نشان و عناوینی همچون دکتر و مهندس و ... می‌تواند تعداد زیادی از داوطلبان تحصیل را به بیراهه بکشاند و شغل آینده خود را در هاله‌ای از ابهام قرار دهند. چه بسا علی‌رغم موفقیت در کسب مدرک، شغلی را برگزینند که هیچ ارتباطی با آن نداشته باشد. در برخی کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته که کنکوری برای ورودی به دانشگاه برگزار نمی‌گردد، انتخاب دانشجو بر اساس مصاحبه انجام می‌شود. تان و لاسوارد (۲۰۰۹) با مطالعه درک دانش‌آموزان از انتخاب رشته دانشگاهی، نشان دادند که نسبت بالایی از دانشجویان حسابداری قبل از رفتن به دانشگاه و در دبیرستان، رشته تحصیلی خود را انتخاب کرده‌اند. طبق پژوهش لائو و سیمونز (۱۹۹۷) درآمدهای آتی، مهمترین عامل اثرگذار بر انتخاب رشته حسابداری، مالی و مدیریت است و فرصت کسب پول زیاد، انتخاب دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بادآور نهندی و تقی‌زاده (۱۳۹۶) با بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته دانشجویان حسابداری در شش دانشگاه ایران، نتیجه می‌گیرند که از دیدگاه دانشجویان حسابداری، عامل راهنما (۳/۲۴) و انتظارات از حرفه (۳/۸۶) بالاتر از حد متوسط و عامل درک (۲/۷۵) و ویژگی‌های شخصی (۲/۸۶) کمتر از حد متوسط در انتخاب رشته حسابداری توسط دانشجویان تأثیر داشته است.

مطالعات انجام شده گریگور و اوگیبی (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که مهم‌ترین اثر در ایجاد علاقه میان دانش‌آموزان، اساتید دانشکده حسابداری و شیوه آموزشی آن‌هاست. با پذیرش این نکته که معلمان و استادان تأثیر بسزایی دارند، در حال حاضر، وضعیت فعلی حاکم بر کلاس‌های درس به‌صورت استادمحور بوده و محتوا و مطالب درسی تعریف‌شده، توسط استاد ارائه می‌شود که سبک ارائه بر اساس تجربه، دانش، محیط آموزشی و حتی درک شخصی آنان صورت می‌گیرد و هر استاد روش خود را بهترین می‌داند. علاوه بر آن، مشکل بزرگ آن است که یک محتوا به‌صورت یکسان به همه ارائه می‌شود. درحالی‌که فهم و درک و ویژگی‌های فردی یادگیرندگان، متفاوت است. برخی از طریق دیدن و شنیدن یادگیری بهتری دارند و برخی دیگر، از طریق انجام دادن. سؤال

مهم این است که آموزش حسابداری چگونه باشد که بیشترین تأثیر را داشته باشد؟ پورعلی (۱۳۸۴) با ارائه یک نوع طبقه‌بندی، وظایف حسابداران را در چهار طبقه وظایف عادی، تکنیکی، ماهرانه و پژوهشی ارائه داده است که بر آن اساس، روش‌های آموزش آن را نیز بیان نموده است. وی معتقد است دانشجویان حسابداری در عمل با واقعیت‌هایی مواجه می‌شوند که در آموزش‌های دانشگاهی خوب درک نشده است. این امر نه به خاطر نظریه‌زدگی، بلکه دقیقاً به لحاظ ضعف بنیان‌های نظری آموزش حسابداری و کم‌بها دادن به پرورش ذهنی است.

نگاره ۲. انواع وظایف حسابداران و روش‌های آموزش

انواع وظایف حسابداران	روش آموزش
وظایف عادی	کاربردی
وظایف تکنیکی	تقلیدی
وظایف ماهرانه	ابتکاری
وظایف پژوهشی	ابداعی

نمره‌گرایی، مدرک‌گرایی، ایجاد اضطراب و استرس، در نظر نگرفتن سطح دانش یادگیرندگان، عدم تجربه کافی در برخی از اسانید جهت ایجاد انگیزه و روح تحقیق، محدودیت در محتواهای آموزشی، وجود ضعف در انتقال مهارت‌های تجربی و کلامی، ناهمخوانی مفاهیم و تئوری‌ها با نیازهای کاربردی صنایع و مشاغل، ایجاد جو و شرایط اجتماعی خاص هنگام انتخاب رشته و بدون در نظر گرفتن علاقه افراد، گسترش فضاها برای آموزش در مناطق کشور بدون در نظر گرفتن فرهنگ و نیازهای کسب‌وکار محلی و منطقه‌ای از مهم‌ترین نارسایی‌های نظام آموزشی ما می‌باشد. کمبود منابع آموزشی خارجی و گران بودن آن‌ها از یک‌سو، خرید کتب و مقالات تألیفی خارجی به دلیل محدودیت‌های تحریمی بانکی، موجب شده این منابع به‌سختی و یا با تأخیر در دسترس استادان و دانشجویان قرار گیرد. علاوه بر آن، منابع موجود، عموماً ترجمه متون خارجی بوده و برخی نیز که توسط مترجمان غیرمتخصص انجام‌شده، فاقد ترجمه رسا و صحیح می‌باشد. برخی تألیف‌های داخلی نیز گفتمان جدیدی را به دانشجویان ارائه نمی‌کند. کمبود استادان حرفه‌ای که هم‌زمان دارای دانش کافی و تجربه اجرایی مفید باشند، بشدت احساس می‌گردد که البته این نقص می‌تواند با همکاری مناسب صاحبان صنایع و مشاغل و مدیران و استادان دانشگاه به حداقل برسد.

آنتون^۱ کمبود استادان زبده و باصلاحیت علمی را یکی از ضعف‌های اساسی آموزش حسابداری در کشورهای در حال توسعه می‌داند و معتقد است که با پرداخت حقوق مناسب می‌توان استادان دارای صلاحیت را جذب نظام آموزش حسابداری نمود. برخی از استادان نیز به خاطر مشکلات معیشتی، مجبور هستند به‌صورت تمام‌وقت در آموزشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تدریس نمایند یا حتی به فعالیت‌های اقتصادی متفرقه بپردازند. این درگیری ذهنی و مشغله‌ای می‌تواند مانع از ایجاد فرصت‌های مطالعه و تحقیق آن‌ها گردد و موجب شود که انتقال مفاهیم به دانشجویان بدون دقت لازم و به‌صورت سطحی انجام گردد. علاوه بر این درگیری ذهنی، هر استادی مطابق درک علمی و شخصی خود از مفاهیم، دارای روشی خاص برای تدریس و انتقال دانش به دانشجویان می‌باشد که بی‌شک بر میزان یادگیری دانشجویان تأثیرگذار خواهد بود.

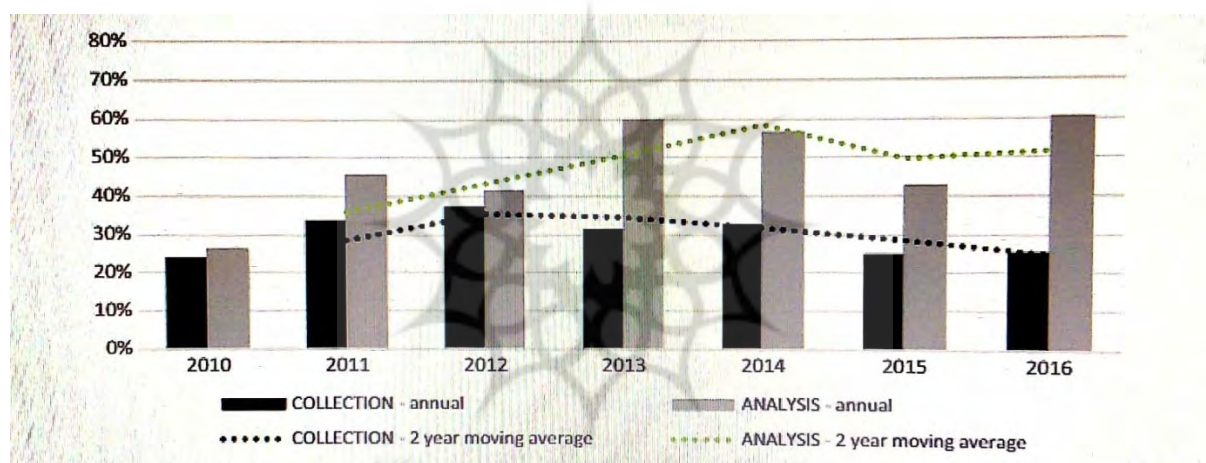
با نگاهی به آمار مقالات نوشته‌شده که بعضاً هم در اجلاس‌ها و مجله‌های تخصصی منتشر شده است، نشان‌دهنده آن است که بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده مروری بوده و صرفاً به بیان کارها و مطالعات ختم می‌شود. این روش مروری محض، علاوه بر اینکه نمی‌تواند دانش‌افزایی داشته باشد، صرفاً از لحاظ آماری تعداد مقالات را افزایش می‌دهد و هیچ معضل و مسئله‌ای را نمی‌تواند حل نماید. این نقیصه می‌تواند ناشی از عواملی همچون آموزش غیر صحیح و طوطی‌وار باشد و به اعتقاد پورعلی (۱۳۸۴) برخی از اصول، مفاهیم و رویه‌های حسابداری آن‌چنان قالبی و متعصبانه وارد ذهن دانشجویان می‌گردد که بعضاً تغییر دادن آن در موارد لزوم به غیرممکن نزدیک‌تر می‌شود. به نظر می‌رسد این روش ناصحیح در سایر نقاط دنیا نیز وجود دارد. همچنان که باربارا آپوستولو و همکاران^۲ (۲۰۱۶) در تحقیق خود، روش‌های جمع‌آوری داده‌ها را برای مقالات تجربی منتشرشده، در سال ۲۰۱۶ گزارش می‌کنند. طبق این تحقیق، نظرسنجی که محبوب‌ترین روش جمع‌آوری داده‌ها بوده است (۵۰٪)، اما از زمان شروع جدول‌بندی داده‌های این

1. Anton

2. Barbara Apostolou et. Al

روش‌ها در سال ۲۰۱۰ به پایین‌ترین سطح رسیده است. سایر مقالات داده‌ها را از مصاحبه (۲٪) به دست آورده‌اند. آن‌ها در تحقیق خود هیچ روش جمع‌آوری تجربی خالصی را در مقالاتی که مورد بررسی قرار داده‌اند، مشاهده نکرده‌اند. همچنین رویکردهای تحلیلی مورد استفاده در مقالات تجربی را بررسی نمودند که نشان می‌دهد، رایج‌ترین رویکرد تحلیل، رگرسیون (۴۴٪)، پس از آن تفاوت در میانگین (۲۳٪)، جدول‌بندی (۱۷٪) و تحلیل واریانس (۱۲٪) بوده است. آن‌ها ادعا می‌کنند که نسبت تحقیق باید حرکت کلی به سمت سختگیری بیشتر را نشان دهد، زیرا تحقیقات آموزش حسابداری کامل شده و تحقیق توضیحی‌تر می‌شود. همچنین آن‌ها، روند جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها را برای هفت سال اخیر تجزیه و تحلیل نموده و روش‌های جمع‌آوری داده‌های آزمایشی، شبه آزمایشی و عملکرد دوره دانشجویی را به عنوان دقیق‌تر از نظرسنجی، منبع منتشر شده و مصاحبه طبقه‌بندی کردند. رگرسیون، تحلیل واریانس، و تحلیل مسیر به عنوان رویکردهای تحلیلی دقیق‌تر شناسایی شدند.

نمودار (۱) نمایشی از اجرای روش‌های جمع‌آوری دقیق و رویکردهای تحلیلی از سال ۲۰۱۰ را ارائه می‌دهد. نمودارهای ستونی در شکل، درصد مقالاتی را که با روش‌های دقیق برای هر سال به کار می‌برند، نشان می‌دهد. خطوط نقطه‌چین، میانگین متحرک دوساله هستند که یک نشانه روشن از روند را ارائه می‌دهند. خطوط روند حاکی از کاهش جزئی دقت جمع‌آوری همراه با افزایش دقت تحلیلی است که با توجه به اینکه کیفیت هر تحلیلی بدون شک به دقت اندازه‌گیری وابسته است، یک پدیده ترکیبی جالب است.



نمودار (۱). روش جمع‌آوری داده‌ها و دقت تجزیه و تحلیل (۲۰۱۰-۲۰۱۶)

در بسیاری از کشورهایی که در تحقیقات حرفی برای گفتن دارند، محققان حسابداری در انجام دادن مطالعاتی که سهم بسیار کمی در گسترش ادبیات دارند مقاومت می‌کنند. حتی سردبیران مجلات آموزش حسابداری نیز در موقعیتی هستند که از چاپ و انتشار چنین مطالعاتی مقاومت می‌نمایند. محققان می‌توانند با بررسی و مطالعه چالش‌های عمده‌ای که آموزش حسابداری با آن مواجه است، به بهترین نحو به ادبیات کمک کنند. البته چالش‌هایی که ما با آن روبرو هستیم منحصر به رشته حسابداری نیست و بسیاری از محققان رشته‌های دیگر نیز با این چالش روبرو هستند.

جمع‌بندی

برای ایجاد تغییرات در وضعیت فعلی آموزش عالی، چاره‌ای جز بسیج علمی برای راه‌اندازی حرکت جمعی آینده‌پژوهی توسط جامعه علمی وجود ندارد. برای نیل به این هدف مهم، نیازمند بسترسازی‌های لازم هستیم. عدم احساس نیاز و یا نبود ادراک صحیح از لزوم تغییر در رویکردهای آموزشی فعلی از حافظه‌محوری به نقد و تفکر خلاق، استدلال گرایی، تقویت مهارت‌های عملی بجای اتکای به محفوظات و حافظه‌مداری و سپردن حجم انبوهی از مطالب تئوری که اثری بر آموختن آن‌ها مترتب نیست، نمی‌تواند منجر به انتظار مطلوب از تحقق جامعه‌ای ایده‌آل در آینده داشت. زیرا ارتقای مطلوب نظام آموزشی کشور کلید حل بخش مهمی

از مشکلات آینده است. سال‌هاست که بسیاری از کارشناسان و مسئولین ذی‌ربط اعلام نموده و هنوز هم این اعلام مواضع ادامه داشته دارد که آموزش‌های دوران متوسطه و دانشگاه‌ها مطابق نیاز و تقاضای جامعه و بازار کار نیست و ارتباط صحیحی بین تئوری و عمل برقرار نشده است.

تألیف و تدوین محتواهای آموزشی برای محیط‌های مختلف یادگیری و همچنین به‌کارگیری ابزار مناسب آن و همچنین طراحی نظام‌های مدیریت یادگیری تطبیقی از اولویت‌های مهم می‌باشد. شرایط اقتصادی و اجتماعی در زمان‌های مختلف متغیر بوده و نیازهای بازار کار هم تابعی از آن می‌باشد. لذا آموزش‌های کاربردی و فنی و حرفه‌ای از قبیل حسابداری، می‌بایست مطابق با شرایط بازار کار در دستور کار آموزش و پرورش و آموزش عالی قرار گیرد. رویکرد آموزش محض به رویکرد آموزشی - کاربردی تغییر یابد. بین دانشگاه و صنعت ارتباط و همکاری عملی ایجاد شود. مالکان و مدیران صنایع، از مشاوره‌های دانشگاه بهره ببرند. همگام و همراه دروس نظری، دروس تجربی و کارگاهی گنجانده شود. با توجه به تأثیرات عملکرد حسابداری بر محیط‌های انسانی، نظریه‌های مختلفی توسط صاحب‌نظران مطرح شده و منجر به تمرکز و توجه بیشتری نسبت به حرفه‌ی حسابداری ایجاد شده، لذا بحث‌های متعددی در حسابداری مثل حسابداری مسئولیت‌های اجتماعی، حسابداری زیست‌محیطی، حسابداری فرهنگی و اخلاقی، حسابداری سرمایه انسانی و ... گنجانده شده است که ضرورت دارد آموزش‌های لازم و کافی در سطوح مختلف دانشگاهی ارائه گردد.

دانشجویان نسل امروزی با دانشجویانی که در گذشته آموزش داده‌ایم، بسیار تفاوت دارند، و شکی در آن نیست. هر نسل از دانشجویان در هر کجای دنیا، با دانشجویان نسل قبلی متفاوت است و استادان حسابداری با چالش سازگاری با نحوه یادگیری دانشجویان مواجه شده‌اند. بنابراین، لازم است استادان حسابداری روش‌های تدریس خود را روز آوری کنند و معلوماتی که قرار است به نسل جدید دانشجویان منتقل کنند، سازگاری داشته باشد. با پذیرش این تفاوت، می‌بایست به این فکر کرد که چگونه می‌توان برای ایجاد انگیزه و آموزش حرفه‌ای حسابداران آینده خود را وفق دهیم؟ عدم انجام این کار تنها باعث افزایش ناامیدی بسیاری از استادان حسابداری در مورد برخی از دانشجویان شده و باعث می‌شود که فرصت تعامل و آموزش مؤثر این دانشجویان و آماده‌سازی آن‌ها برای مشاغل در این حرفه از دست رود. انطباق با دانشجویان این نسل، چالشی منحصر به فرد برای آموزش حسابداری نیست، بلکه محققان همه رشته‌ها باید به دنبال ایده‌هایی باشند تا بتوانند به بهترین نحو با این چالش مقابله کنند. لاجرم می‌بایست در طراحی و توسعه مطالب آموزشی، بر ویژگی‌ها و الزامات یادگیرنده توجه، تمرکز و تعریف شود.

تغییر رویکردهای آموزشی از حافظه محوری به نقد و تفکر خلاق، استدلال گرایی، تقویت مهارت‌های عملی بجای اتکای به محفوظات و حافظه‌مداری و سپردن حجم انبوهی از مطالب تئوری که اثری بر آموختن آن‌ها مترتب نیست، می‌تواند به ارتقای نظام آموزشی کشور کمک شایانی نماید. ساختار نظام آموزش عالی می‌بایست به گونه‌ای باشد که دانشجویان پس از اتمام آموزش، بتوانند علاوه بر اشتغال به کار، نقش خود را به عنوان کارآفرین ایفا نمایند. سال‌هاست که بسیاری از کارشناسان و مسئولین ذی‌ربط اعلام نموده و هنوز هم این اعلام مواضع ادامه داشته است که آموزش‌های دوران متوسطه و دانشگاه‌ها مطابق نیاز و تقاضای جامعه و بازار کار نیست و ارتباط صحیحی بین تئوری و عمل برقرار نشده است. لذا، اضافه نمودن دروس عملی در مقاطع کارشناسی و ارشد کمک شایانی به دانشجویان می‌نماید. ناگفته نماند که بسیاری از دانشجویان در دوره‌های تکمیلی ارشد و بخصوص دکتری، شاغل می‌باشند.

شرایط اقتصادی و اجتماعی در زمان‌های مختلف متغیر بوده و نیازهای بازار کار هم تابعی از آن می‌باشد. لذا آموزش‌های کاربردی و فنی و حرفه‌ای از قبیل حسابداری، می‌بایست مطابق با شرایط بازار کار در دستور کار آموزش و پرورش و آموزش عالی قرار گیرد. رویکرد آموزش محض به رویکرد آموزشی - کاربردی تغییر یابد. بین دانشگاه و صنعت ارتباط و همکاری عملی ایجاد شود. مالکان و مدیران صنایع، از مشاوره‌های دانشگاه بهره ببرند. همگام و همراه دروس نظری، دروس تجربی و کارگاهی گنجانده شود. با توجه به اینکه برخی از صاحبان حرف و مشاغل بخش خصوصی و بعضاً دولتی، انتظارات غیرمعقول و خارج از روال قانون و مقررات از حسابداران دارند، لازم است برای تغییرات فکری و فرهنگی آن‌ها نیز تدبیری اندیشیده شود. ایجاد ارتباط و تبادل اطلاعات و یافته‌های علمی و عملی با سایر کشورها و دانشگاه‌ها و مجامع تخصصی حسابداری و حسابرسی آن‌ها، به‌طور یقین می‌تواند راهگشا باشد و دانشگاه‌ها و مجامع علمی ما را با توسعه و پیشرفت بیشتر روبرو سازد.

به‌طور کلی، از یک‌سو، صاحبان صنایع و مشاغل از عملکرد دانشگاه‌ها در تربیت متخصص حوزه مالی و حسابداری ناراضی هستند و از طرف دیگر، استادان دانشگاه و حتی فارغ‌التحصیلان نیز از نحوه و میزان ارزش‌گذاری صاحبان مشاغل برای

فارغ‌التحصیلان گله‌مند هستند.

در انتها پیشنهاد می‌گردد که تحقیقی در خصوص میزان تأثیرات آموزش‌های عالی در حوزه حسابداری و حسابرسی بر عملکرد شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی انجام گردد تا بتوان به‌درستی سطح تأثیرات را اندازه‌گیری نمود.

منابع

- بادآور نهنندی، یونس؛ تقی‌زاده خانقاه، وحید (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر انتخاب رشته دانشجویان حسابداری در دانشگاه‌های ایران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۸ (۳۱)، ۹۳-۱۱۷.
- بالغی‌زاده، سوسن (۱۴۰۰). سیستم‌های یادگیری تطبیقی، مجله رشد فناوری آموزشی، دوره سی و ششم (۸).
- بی. آر. هرگن‌هان و میتو اچ. انسون. مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ص ۲۲، علی‌اکبر سیف، تهران، روان، ۱۳۸۶، چاپ یازدهم.
- پورعلی، محمدرضا؛ لک، جمشید؛ منصوری‌راد، همت (۱۳۹۹). آینده‌پژوهی در تحقیقات و آموزش حسابداری. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، (۴۵)، ۱۳۳-۱۴۶.
- پورعلی، محمدرضا (۱۳۸۴). آموزش حسابداری: چالش‌ها و راهکارها. *ماهنامه حسابداری* (۱۶۶)، ۳۶-۳۳.
- تقی‌یاره، فتانه؛ سیادت، ملودی؛ عروجی، فاطمه (۱۳۸۸). اندازه‌گیری میزان اثربخشی و کارایی مدل جکسون در یادگیری یادگیرندگان در سیستم یادگیری الکترونیکی تطبیقی. *نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش*، (۴)، ۲۴۶-۲۳۵.
- جامعی، رضا (۱۳۹۷). بررسی تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری با مهارت‌های موردنیاز بازار کار. *فصلنامه علمی پژوهش تدریس پژوهی*، (۳)، ۲۱۸-۲۳۳.
- حساس یگانه، یحیی، مجله حسابداری، شماره ۲۷۹، خرداد ۱۳۹۴، ۱۵-۱۲.
- حیدری، امیرحوشنگ (۱۳۹۳). مبانی و مفاهیم آینده‌پژوهی. *فصلنامه علمی-ترویجی ترویج علم*. سال پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ (۸۳)، ۹۶-۸۱.
- دانشنامه پژوه، پژوهشکده باقرالعلوم (ع).
- شفیع‌پور، سیدمجتبی؛ دادگر، شهرام (۱۳۹۱). عدم موفقیت تحقیقات حسابداری در ارتقای حرفه‌ی حسابداری. *فصلنامه پژوهش حسابداری*، (۷)، ۷۵-۵۱.
- صالحی، کیوان؛ مرادی پردنجانی، حجت‌اله (۱۳۹۴). نقش آموزش‌های دانشگاهی در توسعه قابلیت‌ها و فعالیت‌های کارآفرینی دانشجویان. *پژوهش‌های مدیریت راهبردی*، بهار و تابستان ۱۳۹۴ (۵۷)، ۸۱-۵۷.
- قدیری مقدم، ابوالفضل؛ قلی‌زاده، محمدمهدی؛ طبرستانی، محمدرضا (۱۳۸۷). *مجله مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، (۴)، ۶۷-۵۳.
- گرگز، منصور (۱۳۷۹). آموزش حسابداری: تنگناها و راهکارها. *ماهنامه حسابداری*، اردیبهشت ۱۳۷۹ (۱۳۶).
- A. Rialland, K.E. Wold (2009). Future Studies, Foresight and Scenarios as basis for better strategic decisions. NTNU Trondheim Norwegian University Of Science and Technology Department of Industrial Economics and Technology Management. Report no: IGLO-MP 2020, working paper 10-2009.
- B. R. Hergenbahn and Mitu H. Anson. Introduction to Learning Theories, p. 22, Ali Akbar Seif, Tehran, Rawan, 2007, 11th edition (In Persian).
- Badavar Nahandi, Younes; Taghizadeh Khanaghah, Vahid (2017). Factors affecting accounting students' choice of major in Iranian universities. *Accounting Experimental Research*, Year 8 (31). 117-93 (In Persian).
- Balaghizadeh, Sosan (2011). Adaptive Learning Systems, *Journal of Educational Technology Development*, Volume 36 (8) (In Persian).
- Barbara Apostolou, Jack W. Dorminey, John M. Hassel, James E. Rebele (2016). Accounting education literature review. *Journal of Accounting Education* (2017).

- Diana Gaviria, Juan Arango, Alejandro Valencia. Reflections about the use of information and communication technologies in accounting education. Encyclopedia of Research, Baqer-ul-Uloom Research Institute (In Persian).
- Gargaz, Mansour (1379). Accounting Education: Difficulties and Solutions. Accountant Monthly, Ordibehesht 1379 (136) (In Persian).
- Ghadiri Moghadam, Abolfazl; Gholizadeh, Mohammad Mehdi; Tabarstani, Mohammad Reza (2008). Journal of Industrial Management, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Sanandaj Branch. Summer 2008 (4), 53-67 (In Persian).
- Hasas Yeganeh, Yahya, Accountant Magazine, No. 279, June 2015, 12-15 (In Persian).
- Heydari, Amir Hooshang (2014). Principles and concepts of futures studies. Scientific-promotional quarterly journal of science promotion. Fifth year, Fall and Winter 2014(83), 81-96 (In Persian).
- Jamei, Reza (2018). Investigating the suitability of accounting education content and methods with the skills required by the labor market. Scientific Quarterly Journal of Teaching Research, Fall 2018 (3), 233-218 (In Persian).
- Jorge Leoncio Rivera Muñoz, Federico Moscoso Ojeda, Dina Lizbeth Aparicio Jurado, Percy Fritz Puga Peña, Christian Paolo Martel Carranza, Haydeé Quispe Berríos, Shanda Ugarte Molina, Amanda Rosa Maldonado Farfan, José Luis Arias-Gonzáles, Mario José Vasquez-Pauca (2022). Systematic Review of Learning Technology for learning in Higher Education. Journal of Educational Research 98 (2022) 221-233.
- Pourali, Mohammad Reza; Lak, Jamshid; Mansouri-Rad, Hemat (2010). Futures Studies in Accounting Research and Education. Accounting and Auditing Research, Spring 2010 (45), 133-146 (In Persian).
- Pourali, Mohammad Reza (2005). Accounting Education: Challenges and Solutions. Accountant Monthly (166), 36-33 (In Persian).
- Tamás Kristóf and Erzsébet Nováky (2022). The Story of Futures Studies: An Interdisciplinary Field Rooted in Social Sciences. *Social Sciences - MDPI*. Copyright: 2023 by the authors. Licensee MDPI, Basel, Switzerland. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/World> Futures Studies Federation. wfsf.org/about-futures-studies).
- Salehi, Keyvan; Moradi Pardanjani, Hojjatollah (2015). The Role of University Education in Developing Students' Entrepreneurial Capabilities and Activities. Strategic Management Research, Spring and Summer 2015(57), 57-81 (In Persian).
- Shafipour, Seyed Mojtaba; Dadgar, Shahram (2012). Failure of Accounting Research in Promoting the Accounting Profession. Quarterly Journal of Accounting Research. Winter 2012(7), 51-75 (In Persian).
- Taghi Yareh, Fataneh; Siyadati, Melodi; Oroji, Fatemeh (2009). Measuring the effectiveness and efficiency of Jackson's model in learners' learning in a comparative electronic learning system. Scientific Research Journal of Education Technology, Fall 2009 (4), 246-235 (In Persian).